

هُوَالله-ای یاران رحمانی از ایران حوادثی متتابع میرسد که سبب تأسف و احزان است.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



هُوَالله

ای یاران رحمانی^۱ از ایران حوادثی متتابع میرسد که سبب تأسف و احزان است. و یاران الهی با قلبی سوزان و چشمی گریان استماع آن اخبار مینمایند از قرار معلوم علمای رسوم را آتش حسد در دلها چنان شعله زده که زمام اختیار از دست رفته بی محابا آتش فتنه و فساد افروختند و بدون سبب علم عداوت و بغضا بر افراختند و دست بخون مظلومان و مقربان درگاه کبریا آلودند این حرکت یاغیانۀ منبعث از حسد طاغیانۀ و باعث شدت غیظ و غضب است

زیرا ملاحظه نمودند که نفحات قدس آفاق را معطر نموده و با رقه هدایت و نور حقیقت در شرق و غرب منتشر گشته بقوه برهان عاجز از مقاومت گشتند بلکه بحجت قاطعه و دلیل واضح و برهان ساطع مغلوب و مهزوم و منکوب شدند جُند هُنالک مهزوم من الاحزاب لهذا دست بسلاح عاجز زدند و آغاز رذائل کردند و علم فساد افراختند و بعناد پرداختند خون مظلومان هدر نمودند و دست تطاول گشودند این سلاح مرد عاجز است و صفت شخص فاجر در هر عصر چنین بوده است. یزید پلید و ولید عنید و خولی کولی و سنان کشخان و شمر بد چهر چون از مقاومت حجت و برهان حضرت سید الشهداء روحی له الفداء عاجز و قاصر شدند بهجوم و

^۱ طهران و سایر ولایات ایران احبای الهی علیهم بهاء الله الاهی



ORIGINAL



AUDIO

رجوم برخاستند و فتوی بر قتل شاه شهیدان دادند و دست بخون مبارکش پیالودند این سلاح شخص عاجز است و صفت مغلوب فاجر.

باری همیشه چنین بوده محزون مگردید. همین برهان جلیل بر حقیقت این امر عظیم است و الا باید برهان عظیم و ثعبان مبین را مقاومت نمایند و بدلیل و براهین پردازند این درندگی در عالم انسانی سبب شرمندگی است. و ضربت علیهم الذلّة و المسکنة برهان این درماندگی. اگر از سر نهانی و بالای ناگهانی و خسران مبین که در پی دارند خبر شوند فریاد و فغان آغاز کنند و سر به پیابان نهند و حسرتا گویند و وا سوئتا بلند کنند عصبه بغضا و ثلّة حقّاء یعنی گروه طاغی باغی در صحرای کربلا شاد و خرم بودند و همواره پیش خویش و پیگانه افتخار مینمودند که الحمدلله مظلوم آفاق با اهل و عیال محاصره گشته و از حرارت عطش جگرها سوخته و جمیع اموال تالان و تاراج شده و جسد مبارک پاره پاره گردیده و خون مطهر خاک سیاه را رنگین نموده سرها بر نیزه رفته و اعدا بر ستیزه بر خاسته خاندان نبوت اسیر شده و طفلان بیگانه دستگیر گشته ولی چندی نگذشت بر کلّ واضح و مبرهن شد که این غلبه نبود مغلوبیت بود قاهریت نبود مقهوریت بود مسرت نبود نعت بود ریح عظیم نبود خسران مبین بود سبب شهرت نبود مورث لعنت بود

باری ای یاران الهی شما باید بالعکس مقابله نمائید یعنی زخم ستمکاران را مرهم نپید و درد ظالمات را درمان شوید اگر زهر دهند شهد دهید، اگر شمشیر زنند شکر و شیر بخشید. اگر اهانت کنند اعانت نمائید، اگر لعنت نمایند رحمت جوئید در نهایت مهربانی قیام نمائید و باخلاق رحمانی معامله کنید و ابداً بکله ریکی در حقشان زبان میالائید. حرمت کنید و موهبت طلبید و نورانیت جوئید و روحانیت بخواهید که خدا هدایت نماید و از این درندگی و خونخواری و تیزچنگی و گرگی و پلنگی نجات بخشد الحمدلله اعلیحضرت شهریار و حضرت صدارت پناهی عادل و باذل و کامل و مهربانند و بقدر امکان حمایت و حراست میفرمایند. لهذا آنچه واقع شود از تعدّیات علمای رسوم و فقههای ظلوم و عوام جهول است که مانند گرگان حرون براغنام الهی هجوم نمایند بمرجعی جز حکومت حضرت شهریار و مراجعت نمائید و جز بحضور همایون زبان شکایت نگشائید و دادخواهی از اعلیحضرت پادشاهی نمائید و کیفر بجناب صدر موقر برید و این شکایت از جور و طغیان و دادخواهی از ظلم و عدوان اهل طایفه نظر بنصّ صریح است که میفرماید

چون ظلم و ستم بینید از سریر تاجداری کیفر طلبید و بعدالت اعلیحضرت شهریار پناه برید امتثالاً للأمر دادخواهی نمائیم و فریاد رسی جوئیم. و الا ما جمیعاً الحمدلله در سبیل الهی جانفشانیم و بغیر از جانبازی و قربانی آرزویی نداریم. ملاحظه نمائید که حواریون حضرت مسیح اگر شهید نشده بودند ایامی چند زیست نموده عاقبت یقین مرده بودند. حال آن شهادت بهتر بود یا زندگی بی ثمر و همچنین در صحرای کربلا نفوس مبارکی بشارت کبری جام شهادت در سبیل کبریا نوشیدند و سرمست صهای محبة الله گشته و رقص کمان و پا کوبان و هلهله زنان بقرانگاه عشق شتافتند و اگر این نبود باز البته مرده بودند. حال کدام یک بهتر و خوشتر و دلکشر است.

ما باید بموجب نصوص الهیّه عمل نمائیم و آنچه واقع شود و هر ظلم و تعدّی که صادر گردد داد خواهی از حکومت شهریاری نمائیم و سریر اعلیحضرت تاجداری صادق و در شدّت تعلّق ثابت باشیم. والسلام. ع

